

پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری (علمی- پژوهشی)

سال پنجم، شماره دوم، پیاپی (۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

صص: ۷۲-۵۷

## ابعاد دل‌بستگی بزرگسالان به عنوان پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی

روح الله کرمی بلداجی<sup>۱\*</sup>، سید رضا فلاح چای<sup>۲</sup>، اقبال زارعی<sup>۳</sup>، ماجده ثابت‌زاده<sup>۴</sup>

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

karamiboldaji@hormozgan.ac.ir

۲- استادیار روان‌شناسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

rfallahchie@hormozgan.ac.ir

۳- دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

e.zarei@hormozgan.ac.ir

۴- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

sabetzadeh@hormozgan.ac.ir

### چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه ساده و چندگانه ابعاد دل‌بستگی بزرگسالان و سبک‌های حل تعارض زناشویی انجام گرفت. روش تحقیق مورد استفاده از نوع همبستگی بود و نمونه آماری این پژوهش ۲۸۵ نفر از دبیران متأهل بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) و پرسشنامه سبک‌های حل تعارض زناشویی (ROCI-II) پاسخ دادند. از روش آماری همبستگی ساده و رگرسیون همزمان برای پاسخگویی به فرضیه‌های تحقیق و تعیین سهم هر یک از ابعاد دل‌بستگی در پیش‌بینی به‌کارگیری سبک‌های مختلف حل تعارض زناشویی استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که بعد اجتناب دل‌بستگی به‌طور منفی سبک یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کرد و بعد اضطراب دل‌بستگی به‌طور مثبت سبک ملزم شده را پیش‌بینی نمود ( $P < 0/001$ ). در ادامه مشخص شد که بعد اجتناب دل‌بستگی به‌طور منفی و اضطراب دل‌بستگی به‌طور مثبت سبک مسلط شده را پیش‌بینی نمودند و همچنین، ابعاد اجتناب و اضطراب دل‌بستگی به‌طور مثبت سبک حل تعارض اجتنابی را پیش‌بینی نمودند و بعد اجتناب و اضطراب دل‌بستگی به‌طور منفی سبک حل تعارض مصالحه را به‌طور معناداری پیش‌بینی نمودند ( $P < 0/001$ ).

واژه‌های کلیدی: ابعاد دل‌بستگی بزرگسالان، سبک‌های حل تعارض زناشویی و دبیران متأهل.

## مقدمه

دلبستگی (یا مدل همسر) که چهار سبک دلبستگی بزرگسالی را تعیین می‌کند (فریلی<sup>۷</sup> و شیور، ۲۰۰۰؛ شی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ میکالینسر<sup>۹</sup> و شیور، ۲۰۰۳، بن اری و هیرشبرگ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹؛ نوفل<sup>۱۱</sup> و شیور، ۲۰۰۷). عامل اول؛ یعنی اضطراب دلبستگی در مورد طرد، ترک‌شدن و دوست‌داشتنی نبودن مربوط است و عبارت است از گرایش و نیاز شدید به نزدیک بودن، مورد پذیرش واقع شدن، حمایت شدن و مطمئن شدن از جانب نمادهای دلبستگی و نشان می‌دهد فرد تا چه حد از این‌که همسرش در مواقع مورد نیاز در دسترس نباشد، نگران است (سیبلی و اوورال<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸؛ وینگارد - دومیچ و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷). عامل دوم به اجتناب از صمیمیت و وابستگی مربوط می‌شود و نشان‌دهنده گرایش به ناراحتی از نزدیک بودن، خودافشایی احساسات و بیان آسیب‌پذیری و وابستگی در روابط است (سیبلی و اوورال، ۲۰۰۸). اجتناب دلبستگی نشان می‌دهد که فرد تا چه در رابطه با همسرش ناراحت است و می‌خواهد اقتدار خود را حفظ کرده و از لحاظ هیجانی از همسرش فاصله بگیرد (وینگاردز - دومیچ و همکاران، ۲۰۰۷).

کوکوران و مالینکروودت<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰)، طرحی در ارتباط با شباهتی که بین مدل‌های فعال خود (بعد اضطراب) و مدل فعال دیگران (بعد اجتناب) در الگوی دلبستگی بزرگسالان و ابعاد اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران در سبک‌های حل

نظریه دلبستگی در دهه گذشته توجه زیادی را به خود جلب کرده و شاید بتوان گفت که نسبت به مفاهیم نظری دیگر در علوم اجتماعی و علوم انسانی اهمیت بیشتری کسب کرده است. این نظریه ابتدا به وسیله بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) گسترش پیدا کرد و توسط چندین محقق دیگر (آنثورت<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳؛ هازان و شاور<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷؛ و بارثولومیو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱) کامل‌تر شد و به نظریه‌ای پیچیده و پیشرفته در رشد شخصیت تبدیل شد (کایرماک و اگوز - دوران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸).

امروزه برای مفهوم‌سازی تفاوت‌های فردی در دلبستگی بزرگسالان، به جای تیپ‌شناسی، دو بعد پیوستاری، به عنوان زیربنای پراکندگی در سبک دلبستگی بزرگسالان معرفی شده است. فرض بر آن است که اندازه‌های چند بعدی، دقیق‌تر و رواتر از اندازه‌های طبقه‌ای است (نیلفروشان و همکاران، ۱۳۸۹). به‌طور کلی، مطالعات پیشین (بارثولومیو و هاروویتز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱)، سعی کرده‌اند سبک‌های دلبستگی را به دو بعد کاهش دهند. یک بعد آن اجتناب است و حالتی دو قطبی دارد که یک سمت آن تمایل و سمت دیگر دوری‌گزینی است. بعد دیگر دلبستگی اضطراب است که مانند بعد اجتناب، دو قطبی است و یک قطب آن راحتی و قطب دیگر آن تنیدگی و نگرانی است (بارثولومیو و هاروویتز، ۱۹۹۱). طرح چند بعدی که در سال ۱۹۹۱ توسط بارثولومیو ارائه شد، دو بعد اصلی را معرفی می‌کند: اضطراب دلبستگی (یا مدل خود) و اجتناب

<sup>7</sup> Fraley

<sup>8</sup> Shi

<sup>9</sup> Mikulincer

<sup>10</sup> Ben-Ari & Hishberg

<sup>11</sup> Noftle

<sup>12</sup> Sibley & Overall

<sup>13</sup> Wijngaards-de Meij et al

<sup>14</sup> Corcoran & Mallinckroodt

<sup>1</sup> Bowlby

<sup>2</sup> Answorth

<sup>3</sup> Hazan & Shaver

<sup>4</sup> Bartholomew

<sup>5</sup> Karairmak & Duran

<sup>6</sup> Horowitz

تعارض رحیم (۱۹۸۳) ارائه دادند. بر اساس این چهار سبک دلبستگی با سبک منحصر به فردی از طرح، بر اثر تعامل و ترکیب این ابعاد، هر یک از شیوه‌های حل تعارض در ارتباط است. جدول ۱. تطابق بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض (کورکوران و مالینکرودت، ۲۰۰۰)

تشابه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان با سبک‌های حل تعارض		
اهمیت دادن به خود	اهمیت دادن به دیگران	
(مدل فعال خود = اضطراب دلبستگی)	بالا مثبت	(مدل فعال دیگران = اجتناب دلبستگی)
بالا	یکپارچه‌سازی	مسلط شده
مثبت	ایمن	طرد کننده
مصالحه‌کننده		
پایین منفی	الزام شده دل مشغول	اجتنابی ترسان

ما دوست نداریم؛ یا از انجام کارهایی امتناع ورزند که دوست داریم (قلیلی، ۱۳۸۴). در مقابل، تلاش در جهت حل تعارض در بین زوجین، ظاهراً شامل گفتگوها و بحث‌های منفی بین همسران و همکاری فوق‌العاده آنها در جهت کسب رضایت زناشویی است (روبرتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ شی، ۲۰۰۳).

رابرت بلک و موتون (۱۹۶۴)، روابط کارکنان را در سازمان‌ها بررسی کردند و مدل دو بعدی برای توصیف سبک‌های مختلف حل تعارض در موقعیت‌های بین فردی ارائه دادند. آنها بیان کردند که افراد هنگام تعارض مقدار مشخصی از هر دو بعد اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران را نشان می‌دهند. آنها اهمیت دادن به خود را به صورت مقدار حمایت شخصی و مقدار استقامتی که فرد در جهت رسیدن به علائقش از خود بروز می‌دهد تعریف کردند و همچنین، اهمیت دادن به دیگران را توانایی فرد در رسیدگی به دیگران و نیازهای آنها و منطبق شدن با آنها می‌دانند (بن - اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹). میزان (بالا یا پایین)

در طرح ارائه شده به وسیله کورکوران و مالینکرودت (۲۰۰۰)، بین چهار سبک دلبستگی بزرگسالان، که از ادغام ابعاد دلبستگی (مدل فعال خود) به دست می‌آیند، با پنج شیوه حل تعارض که از ترکیب ابعاد اهمیت دادن به خود و دیگران در الگوی رحیم حاصل می‌شوند، تطابق و تناظر دیده می‌شود؛ برای مثال، اگر فردی در بعد اضطراب دلبستگی دید مثبتی نسبت به خود داشته باشد و در ضمن، به هنگام حل تعارض، اهمیت بالایی به خود بدهد، به احتمال زیاد این فرد دارای سبک دلبستگی ایمن است که به هنگام تعارضات از شیوه حل تعارض یکپارچه‌سازی استفاده خواهد کرد (جدول ۱).

تعارض در زندگی زناشویی نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. درمانگران سیستمی، تعارض زناشویی را تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منافع قدرت و حذف امتیازات دیگری می‌دانند. کنش و واکنش دو فرد که قادر نیستند منظور خود را تفهیم نمایند، تعارض نامیده می‌شود. همچنین، این درمانگران معتقدند اختلاف در روابط نزدیک وقتی به وجود می‌آید که نزدیکان کارهایی انجام دهند که

<sup>1</sup> Roberts

بدون این‌که برای دیگران اهمیتی قائل شود (گودوین، ۲۰۰۰). سبک اجتنابی<sup>۷</sup>: با اهمیت دادن پایین به خود و دیگران مشخص می‌شود و معمولاً با کناره‌گیری توأم است. در این سبک مسؤلیت به شخص دیگر واگذار می‌شود. این افراد امیدی ندارند که از حل تعارض سودی کسب کنند.

بنابراین، کناره‌گیری از تعارض را ترجیح می‌دهند. منفعل بودن، دوری کردن، ترس از رویارویی با تعارض، کم اهمیت جلوه دادن تعارض و به تأخیر انداختن حل تعارض در این افراد مشاهده می‌شود (بن اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹). سبک مصالحه<sup>۸</sup>: در میان سایر سبک‌ها، سبک حل تعارض مصالحه از یک موضع میانه برخوردار و با سطح متوسطی از اهمیت دادن به خود و دیگران مرتبط است. این سبک بر اساس راهبرد داد و ستد و بر اساس یک تصمیم‌گیری دوجانبه قابل قبول اتخاذ می‌شود و هنگامی که دو نفر از امتیازات مساوی برخوردار باشند، از این سبک بهره می‌برند (گودوین، ۲۰۰۰؛ بن اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

شمار زیادی از پژوهش‌های گذشته با به‌کارگیری متدولوژی مختلف نشان می‌دهند که ارکان و مفاهیم نظریه دلبستگی در زمینه روشن‌سازی فرایندهای تعارض به کار گرفته شده‌اند و دلبستگی بر سبک‌های مختلف حل تعارض در روابط نزدیک تأثیر می‌گذارد (کاربرماک و دوران، ۲۰۰۸؛ بن اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹؛ کوکران و مالینکروود، ۲۰۰۰؛ کریزی و هسن - مکینز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱؛ اسچارف<sup>۱۰</sup> و بارثولومیو، ۱۹۹۵، لوی و داویس<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۹؛

تلاش‌های فرد در رابطه با اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران در راستای سبک‌های حل تعارض است. بعضی از نظریه‌پردازان معتقدند که اهمیت دادن به خود و دیگران، دو بعد مجزایی هستند که می‌توان آن‌ها را با هم ترکیب نمود و سبک‌های پنجگانه مسلط، الزام شده، اجتنابی، مصالحه‌گر و یکپارچه‌سازی را برای حل تعارض خلق کرد (رحیم<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ رحیم و بوناما<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹).

سبک یکپارچگی<sup>۳</sup>: مستلزم اهمیت دادن زیاد به خود و دیگران است. این سبک مستلزم تشریک مساعی بین دو طرف است؛ مثل گشودگی، مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت‌ها و یافتن راه‌حل قابل قبول برای هردو طرف (گودوین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). سبک ملزم شده (متعهد شده)<sup>۵</sup>: مستلزم اهمیت دادن پایین به خود و اهمیت بالا به دیگران است. در این افراد اضطراب به نحو متفاوتی فراخوانده می‌شود. آن‌ها در جستجوی دستیابی به راه‌حلی هستند که هماهنگ و سازگار با دیگران باشند. این افراد به شدت منفی و غیرعادی هستند و این برای آن‌ها بسیار مهم است که دیگران آن‌ها را فرد خوبی در نظر بگیرند و بدون این‌که به احساسات آن‌ها خدشه‌ای وارد کنند، به اهدافشان دست پیدا کنند (بن اری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

سبک مسلط<sup>۶</sup>: به وسیله اهمیت دادن بالا به خود و اهمیت دادن پایین به دیگران مشخص می‌شود. این سبک به عنوان یک سبک رقابتی شناخته شده است. در این سبک رفتار افراد تحمیل کننده است. در این سبک فرد تلاش می‌کند به اهدافش دست یابد؛

<sup>7</sup> avoiding style

<sup>8</sup> compromising style

<sup>9</sup> Creasey & Hesson-McInnis

<sup>10</sup> Scharfe

<sup>11</sup> Levy & davis

<sup>1</sup> Rahim

<sup>2</sup> Bonoma

<sup>3</sup> integrating style

<sup>4</sup> Goodwin

<sup>5</sup> obligating style

<sup>6</sup> dominating style

ملزم شده و مسلط شده را پیش‌بینی می‌کند، سطح پایین اجتناب با سبک حل تعارض ملزم‌شده در موقعیت‌های حل تعارض در رابطه بود. همچنین، بعد اجتناب دلبستگی به تنهایی سبک‌های حل تعارض اجتنابی، مصالحه، یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کرد. البته، سطح پایین بعد اجتنابی با سبک‌های حل تعارض سازنده در ارتباط بود و اضطراب دلبستگی تنها سبک‌های حل تعارض ملزم شده و یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کرد.

همچنین، در مطالعات دیگر، همسران با دلبستگی اجتنابی کمتر از سبک‌های حل تعارض مصالحه‌کننده و یک پارچه‌سازی استفاده می‌کنند (کوکران و مالینکروود، ۲۰۰۰؛ لوی و داویس، ۱۹۸۹). مک کارل پیستول (۱۹۸۹)، نتایج مشابهی را در افراد بزرگسال به دست آورد. در مقایسه با افراد اجتنابی و اضطرابی، افرادی که اضطراب و اجتناب دلبستگی پایینی داشتند، تمایل نشان دادند که به هنگام تعارض با همسرشان از سبک‌هایی استفاده کنند که بر تقابل و همکاری دوجانبه استوار باشند و بیشتر از سبک‌های یکپارچه‌سازی و مصالحه استفاده می‌کردند. شواهد دیگر (پیستول و اریکل، ۲۰۰۳) بیانگر این امر است که افراد با اضطراب و اجتناب دلبستگی بالا به هنگام تعارض، نزاع و درگیری بیشتری از خود بروز می‌دادند و به هنگام گفتگو و بحث احساس ترس بیشتری داشتند و در گفتگوها نسبت به افراد ایمن تأثیرگذاری کمتری داشتند. بنابراین، ابعاد دلبستگی به عنوان مکانیزم تنظیم عواطف می‌تواند در موقعیت‌های حل تعارض تعیین‌کننده سبک‌های حل تعارضات زناشویی بزرگسالان باشد؛ زیرا این ابعاد در دوران بزرگسالی نیز باقی می‌ماند. از این رو، به نظر

پیستول<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ سیمپون و همکاران، ۱۹۹۶). این پژوهش‌ها در بیشتر موارد به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های حل تعارض پرداخته‌اند.

پژوهش‌های گذشته آشکار ساختند که الگوهای دلبستگی؛ به ویژه اضطراب دلبستگی، واکنش‌ها را در روابط میان فردی پیش‌بینی می‌کند. نتایج به دست آمده در این مطالعات متناقض بوده‌اند. از یک سو، مطالعات آشکار ساختند که در تعارضات، بعد اضطراب دلبستگی با فاش کردن عواطف و رفتارهای منفی در رابطه است؛ به خصوص افراد با اضطراب دلبستگی بالا تمایل دارند که خصومت و عصبانیت بیشتری نسبت به همسران خود اعمال کنند (میکالینسر و همکاران، ۲۰۰۴) و یا نسبت به همسرانشان انتقادی و سلطه‌گر هستند (کامپیل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) و نسبت به افرادی که سطح اضطراب پایین‌تری دارند، نگرانی و پریشانی عاطفی بیشتری دارند (کامپیل و همکاران، ۲۰۰۵، کولین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). همچنین، پیستول و اریکل<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای دریافتند که اضطراب دلبستگی با سبک حل تعارض ملزم شده در ارتباط است. در سوی دیگر، کن و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) دریافتند که اضطراب دلبستگی به‌طور معناداری با سبک حل تعارض مسلط شده در ارتباط است. با وجود این، به هنگام استفاده از رگرسیون، اضطراب دلبستگی تنها سبک حل تعارض ملزم شده را پیش‌بینی می‌کرد. شی (۲۰۰۳) در تحقیق خود به این نتایج دست یافت که ابعاد دلبستگی، اجتناب و اضطراب، رضایت زناشویی و سبک حل تعارضات زناشویی

<sup>1</sup> Pistole

<sup>2</sup> Campbell etal

<sup>3</sup> Collins

<sup>4</sup> Arricale

<sup>5</sup> Cann etal

## روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری<sup>۱</sup> این پژوهش، کلیه دبیران متأهل مقاطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی را شامل می‌شود که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ در شهر بندرعباس مشغول به تدریس بودند. نمونه پژوهش در این تحقیق، تعداد ۲۸۵ نفر از دبیران متأهل شهر بندرعباس بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به شرح زیر انتخاب شدند:

ابتدا آموزش و پرورش شهر بندرعباس به دو ناحیه تقسیم شد. سپس کلیه مدارس راهنمایی (دولتی، غیرانتفاعی، شاهد، تیزهوشان و...) و مدارس مقاطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی (دولتی، غیرانتفاعی، شاهد و...) در شهر بندرعباس شناسایی شدند و به‌طور تصادفی از هر ناحیه ۱۵ مدرسه انتخاب شد و بالاخره از میان مدارس انتخاب شده، دبیران متأهلی که دو سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، در این تحقیق شرکت داده شدند. برای جلوگیری از افت نمونه تحقیق در مجموع از ۳۰۰ نفر از دبیران خواسته شد که به پرسشنامه‌های این پژوهش پاسخ دهند که در نهایت، به علت عدم عودت تعدادی از پرسشنامه‌ها تعداد ۲۸۵ نفر تجزیه و تحلیل آماری شدند.

## ابزار

پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R)<sup>۲</sup>: در این تحقیق از پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، استفاده شد. فریلی و

می‌رسد ابعاد دلبستگی و نحوه مدیریت تعارض، از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی بوده (شی، ۲۰۰۳) و نکته مهم‌تر این که ممکن است ابعاد دلبستگی و نحوه مدیریت تعارض با هم مرتبط و اثرگذار باشند. همچنین، ابعاد دلبستگی، می‌تواند تعیین‌کننده بسیاری از رفتارها و عواطف بزرگسالان باشد.

علی‌رغم بررسی‌های فراوان درخصوص رابطه سبک‌های دلبستگی با متغیرهای متنوع، اغلب از اهمیت این موضوع غفلت شده است. بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض زناشویی به عنوان یکی از متغیرهای مرتبط با ابعاد دلبستگی و مشخص کردن سهم مشترک و نیز سهم یگانه هر یک از این ابعاد دلبستگی در به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض در موقعیت‌های چالش‌انگیز، اهداف اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه بین سبک‌های حل تعارض زناشویی و ابعاد دلبستگی و مشخص کردن سهم مشترک و نیز سهم یگانه هر یک از این ابعاد دلبستگی در به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض زناشویی است. این پژوهش به دنبال پاسخ به فرضیه‌های زیر است:

- ۱- ابعاد دلبستگی بزرگسالان به کارگیری سبک حل تعارض «یکپارچه‌سازی» را پیش‌بینی می‌کنند.
- ۲- ابعاد دلبستگی بزرگسالان به کارگیری سبک حل تعارض «ملزم‌شده» را پیش‌بینی می‌کنند.
- ۳- ابعاد دلبستگی بزرگسالان به کارگیری سبک حل تعارض «مسلط‌شده» را پیش‌بینی می‌کنند.
- ۴- ابعاد دلبستگی بزرگسالان به کارگیری سبک حل تعارض «نفی‌کننده» را پیش‌بینی می‌کنند.
- ۵- ابعاد دلبستگی بزرگسالان به کارگیری سبک حل تعارض «مصالحه‌کننده» را پیش‌بینی می‌کنند.

<sup>۱</sup> statistical Social

<sup>۲</sup> experiences in Relationship-Revised

آلفای کرونباخ را برای مقیاس اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ گزارش کردند. بطلانی (۱۳۸۷)، همسانی درونی را برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲ و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۱ گزارش کرده است.

در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۸۹)، همسانی درونی برای ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ به دست آمده است. بررسی‌های شکرکن و همکارانش برای تعیین ضریب روایی نیز نشان می‌دهد بین خرده مقیاس اضطراب این آزمون و بخش اضطرابی آزمون شیور و هازان ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ و بین مقیاس اجتنابی این آزمون با بخش اجتنابی آزمون شیور و هازان ۰/۲۸ تا ۰/۴۳ همبستگی وجود دارد (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵).

تحقیقات نشان داده است که مقیاس‌های اضطراب و اجتناب ECR-R از ثبات بالایی برخوردارند؛ به طوری که فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب پایایی ۰/۹۴ را برای مقیاس اضطراب، و ضریب پایایی ۰/۹۵ را برای مقیاس اجتناب گزارش کردند. سیبلی و همکاران (۲۰۰۵)، نیز با بازآزمایی سه هفته‌ای، ضریب پایایی مقیاس اضطراب را ۰/۹۲ و ضریب پایایی مقیاس اجتناب را ۰/۹۰ گزارش کردند. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی و در یک دوره ۸ هفته‌ای بیش‌تر از ۷۰ صدم محاسبه شد. در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۸۹)، بر روی ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بازآزمایی سه هفته‌ای انجام شد و ضریب پایایی ۰/۹۱ برای مقیاس اضطراب و ۰/۹۳ برای مقیاس اجتناب به دست آمد. این مقیاس در داخل کشور

همکاران (۲۰۰۰)، با انجام تحلیل خوشه‌ای، ۳۰ خوشه از سؤال‌های هموژن به دست آمده و آن‌گاه با انجام تحلیل عوامل، دو عامل اضطراب و اجتناب استخراج شد. تحلیل‌های عاملی بر روی هر عامل انجام شد و در نهایت ۱۸ سؤال برای هر مقیاس در نظر گرفته شد؛ به طوری که بیشترین ضریب همبستگی با آن عامل، و نیز بالاترین ضریب تمیز را داشته باشند. نکته جالب توجه آن بود که ۷۲ سؤال‌های مقیاس اضطراب (۱۳ سؤال از ۱۸ سؤال) در مقیاس اضطراب ECR و ۳۹ سؤال‌های اجتناب (۷ سؤال از ۱۸ سؤال) در مقیاس اجتناب ECR مشترک بودند. بدین ترتیب، از آنجایی که بین سؤال‌های ECR همپوشی وجود داشت، فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، این دو مقیاس ۱۸ سؤالی جدید را پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) نامیدند. فریلی و همکاران (۲۰۰۰)، و سیبلی و همکاران (۲۰۰۵)، در بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه به دو عامل اضطراب و اجتناب دست یافتند که با مبنای نظری مطابق بود.

همچنین، این دو عامل با یکدیگر رابطه معناداری نشان داده‌اند (سیبلی و همکاران، ۲۰۰۵؛ سیبلی و اورال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). نیلفروشان و همکاران (۱۳۸۹)، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، دو عامل مجزا و مرتبط اضطراب و اجتناب را برای این پرسشنامه گزارش کردند.

فرچایلد و فینی (۲۰۰۶) نشان دادند که هر یک از مقیاس‌های اضطراب و اجتناب از همسانی درونی بالایی برخوردارند؛ به طوری که ضریب آلفا برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲ و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۳ بوده است. سیبلی و اورال (۲۰۰۸)، ضریب

<sup>1</sup> Overall

۵ را کسب کند. سپس با توجه به تعداد ماده‌های هر زیر مقیاس، نمره کلی آن زیر مقیاس به دست می‌آید. حداقل و حداکثر نمره هر زیر مقیاس نیز با توجه به تعداد سؤال‌های آن از ۱ تا ۵ خواهد بود.

بر این اساس، زیر مقیاس یکپارچگی با داشتن ۷ سؤال، نمره‌ای با حداقل ۷ و حداکثر ۳۵ خواهد داشت. نمره نهایی این زیر مقیاس (نمره ۳۵)، بر ۷ تعداد سؤال‌های آن تقسیم می‌شود و نمره به دست آمده برابر با ۵ خواهد بود. نمره هر زیرمقیاسی که بیشتر باشد، نشان‌دهنده این است که فرد از آن سبک برای حل تعارض خود استفاده می‌کند (باباپور، ۱۳۸۵). حقیقی (۱۳۹۱) اقدام به بررسی ساختار عاملی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض در بین زوجین ایرانی نمود. در این تحقیق پایایی پرسشنامه ROCI-II با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ به دست آمد.

همچنین، پایایی ابزار با استفاده از روش در این تحقیق با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۸ به دست آمد و همبستگی مثبت و منفی بین خرده مقیاس‌های این ابزار با پرسشنامه CRQ، نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرای مطلوب پرسشنامه ROCI-II بود. در تحقیق حاضر نیز آلفای کرونباخ برای سبک یکپارچه‌سازی ۰/۷۷، ملزم شده ۰/۷۲، مسلط ۰/۷۲، اجتنابی ۰/۷۵ و مصالحه‌کننده ۰/۷۲ به دست آمد.

#### یافته‌های پژوهش

این مطالعه، بر روی ۲۸۵ نفر از دبیران متأهل با دامنه سنی ۱۷-۵۶ سال و میانگین سنی ۳۶/۷۴ سال - که بیش از نیمی از واحدها (۵۰/۹ درصد) مرد بودند - انجام شد. ۵۲/۶ درصد از حجم نمونه در

توسط شکرکن و همکارانش (۱۳۸۵)، هنجاریابی شده است. برای محاسبه پایایی آن از روش آلفای کرونباخ و تصنیف زوج و فرد استفاده شد. ضریب پایایی برای خرده‌مقیاس اضطرابی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ و برای مقیاس اجتنابی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ در بعد اضطراب ۰/۹۰ و در بعد اجتناب ۰/۹۳ به دست آمد.

#### پرسشنامه سبک‌های حل تعارض (ROCI-II)

##### نسخه B

پرسشنامه ROCI-II توسط رحیم (۱۹۸۳) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد.

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II مکانیزمی برای اندازه‌گیری پنج شیوه‌ای است که افراد به تعارض پاسخ می‌دهند. رحیم و بونا (۱۹۷۹) به صورت گسترده از این پرسشنامه استفاده کردند و آن‌ها این ابزار را در همه حوزه‌های پژوهش در علوم اجتماعی معتبر دانستند (هن اینگ، ۲۰۰۳). این پرسشنامه دارای سه نسخه است که در این پژوهش، از نسخه B، ۲۸ ماده‌ای استفاده شد.

این ابزار برای بررسی تعارض در سازمان‌های مالی طراحی شده؛ در حالی که مطالعات نشان داد که این ابزار را می‌توان در سایر زمینه‌های حل تعارض بین فردی؛ مثل خانواده، دوستان و همشیرها به کار گرفت (هنگ لیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ حقیقی، ۱۳۹۱). ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. مقیاس لیکرت در برگزیده عبارات کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (نمره ۲)، نظری ندارم (نمره ۳)، موافقم (نمره ۴) و کاملاً موافقم (نمره ۵)، است. هر یک از سؤال‌ها می‌تواند نمره‌های از ۱ تا

<sup>1</sup> Hong lim



مقطع راهنمایی و ۴/۴ درصد در مقطع متوسطه در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تدریس بودند. افراد با ۱ تا ۵ سال طول مدت زندگی زناشویی با ۲۸/۸ درصد بیشترین حجم نمونه را و افراد با ۲۶ تا ۳۰ سال طول مدت زندگی زناشویی، با ۷/۷ درصد کمترین میزان از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱. ضرایب همبستگی ساده بین ابعاد دلبستگی و سبک‌های حل تعارض زناشویی

اجتناب دلبستگی		اضطراب دلبستگی		سبک‌های حل تعارض زناشویی
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۴۳	-۰/۲۵	مصالحه
۰/۸۹۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۲۳	الزام شده
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۳۲	اجتناب
۰/۲۲۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۷	۰/۴۱	مسلط شده
۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	-۰/۴۶	-۰/۱۷	یکپارچه‌سازی

نتایج پژوهش ارائه شده در جدول (۱) ضرایب همبستگی سبک‌های حل تعارض زناشویی و ابعاد دلبستگی (اضطراب و اجتناب) را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بین ابعاد دلبستگی (اضطراب و اجتناب) با سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه اضطراب و اجتناب افراد بالاتر باشد، احتمال به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه کمتر است. همچنین، بعد اضطراب دلبستگی با سبک‌های حل تعارض ملزم شده، مسلط شده و اجتنابی رابطه مثبت دارد؛ بدین معنا که با افزایش اضطراب افراد، گرایش آن‌ها به استفاده از این سبک‌ها افزایش می‌یابد؛ اما بعد اجتنابی تنها با سبک حل تعارض اجتنابی رابطه مثبتی نشان داد.

نتایج پژوهش ارائه شده در جدول (۱) ضرایب همبستگی سبک‌های حل تعارض زناشویی و ابعاد دلبستگی (اضطراب و اجتناب) را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بین ابعاد دلبستگی (اضطراب و اجتناب) با سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه اضطراب و اجتناب افراد بالاتر باشد، احتمال به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه کمتر است. همچنین، بعد اضطراب دلبستگی با سبک‌های حل تعارض ملزم شده، مسلط شده و اجتنابی رابطه مثبتی نشان داد.

جدول ۲. خلاصه نتایج رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض زناشویی بر اساس ابعاد دلبستگی

مدل	متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R <sup>2</sup>	نسبت F	سطح معناداری F	مقادیر $\beta$	T	سطح معناداری $\beta$
۱	سبک یکپارچه‌سازی	اضطراب	۰/۴۶	۰/۲۱	۳۹/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۸	-۱/۴۷	۰/۱۴
۲	سبک ملزم‌شده	اضطراب	۰/۲۳	۰/۰۵	۸/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۲۴	۴/۱۱	۰/۰۰۱
۳	سبک مسلط‌شده	اضطراب	۰/۴۴	۰/۱۹	۳۵/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۴۵	۸/۳۲	۰/۰۰۱
۴	سبک اجتنابی	اضطراب	۰/۴۹	۰/۲۳	۴۵/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۴/۳۸	۰/۰۰۱
۵	سبک مصالحه	اضطراب	۰/۴۶	۰/۲۰	۳۸/۲۷	۰/۰۰۱	-۰/۱۶	-۲/۹۷	۰/۰۰۳
		اجتناب					-۰/۳۹	-۷/۳۴	۰/۰۰۱

یافته‌ها نشان داد که سبک حل تعارض مسلط شده به‌طور معنی‌داری ( $F=35/52, R^2=0/19$ )،  $P<0/001$ ) توسط هر دو بعد دلبستگی پیش‌بینی می‌شود؛ بدین صورت که بعد اضطرابی دلبستگی به‌طور مثبت و بعد اجتنابی دلبستگی به‌طور منفی پیش‌بینی کننده، سبک مسلط هستند ( $P<0/001$ ).

لذا فرضیه سوم نیز تأیید شد. در مدل چهارم این فرضیه آزمون شد که کدام یک از ابعاد دلبستگی بزرگسالان به‌کارگیری سبک حل تعارض اجتنابی را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های جدول (۳) نشان داد که بعد اضطرابی دلبستگی و بعد اجتنابی دلبستگی پیش‌بینی کننده مثبت سبک حل تعارض اجتنابی هستند ( $P<0/001$ ).

بنابراین، فرضیه چهارم نیز تأیید می‌شود. همچنین، در مدل پنجم این فرضیه آزمون شد که ابعاد دلبستگی بزرگسالان به‌کارگیری سبک حل تعارض مصالحه را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند. در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود که سبک حل تعارض مصالحه به‌طور معنی‌داری ( $F=38/27, R^2=0/20$ )،  $P<0/001$ ) توسط هر دو بعد دلبستگی پیش‌بینی می‌شود و بعد اضطرابی دلبستگی و همچنین، بعد اجتنابی دلبستگی پیش‌بینی کننده منفی سبک حل تعارض مصالحه هستند ( $P<0/001$ ). بنابراین، با توجه به جدول‌های شماره (۳) و (۴) می‌توان بیان کرد که کلیه فرضیات این تحقیق تأیید شدند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه ساده و نیز رابطه چندگانه ابعاد دلبستگی با سبک‌های حل تعارض زناشویی پرداخته شد. بررسی رابطه ساده

همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، پنج مدل رگرسیون به روش ورود برای پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض زناشویی در میان دبیران متأهل انجام گرفت. با توجه به این جدول می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد دلبستگی به‌طور معناداری به‌کارگیری سبک‌های حل تعارض را پیش‌بینی کردند ( $P<0/001$ ).

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ضرایب بتای پنج مدل رگرسیون ارائه شده است. در مدل اول این فرضیه آزمون شد که کدام یک از ابعاد دلبستگی بزرگسالان به‌کارگیری سبک حل تعارض یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج آشکار ساخت که سبک یکپارچه‌سازی به‌طور معناداری ( $F=39/32, R^2=0/21$ )،  $P<0/001$ ) توسط بعد اجتنابی دلبستگی با مقدار  $t=-0/44$  و  $t=-8/18$  پیش‌بینی شد ( $P<0/001$ ). بنابراین، بعد اجتنابی پیش‌بینی کننده منفی در به‌کارگیری سبک حل تعارض یکپارچه‌سازی است؛ بنابراین، فرضیه اول تأیید شد. در مدل دوم این فرضیه آزمون شد که کدام یک از ابعاد دلبستگی بزرگسالان به‌کارگیری سبک حل تعارض ملزم شده را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند. نتایج مشخص کرد که سبک ملزم شده به‌طور معناداری ( $F=8/48, R^2=0/05$ )،  $t=0/001$ )، به‌وسیله بعد اضطرابی دلبستگی پیش‌بینی شد ( $P<0/001$ ). بنابراین، بعد اضطرابی دلبستگی پیش‌بینی کننده مثبت، سبک حل تعارض ملزم شده است؛ بنابراین، فرضیه دوم نیز تأیید شد.

در مدل سوم نیز این فرضیه آزمون شد که کدام یک از ابعاد دلبستگی بزرگسالان به‌کارگیری سبک حل تعارض مسلط شده را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند.

به صورت منفی پیش‌بینی کرد. نکته قابل توجه این است که افرادی که در بعد اضطرابی سطح بالایی را نشان دادند، به طور همزمان پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض ملزم شده و مسلط شده هستند. در این رابطه، بن اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹)، بیان کردند که سبک‌های حل تعارض الزام شده و مسلط شده آن گونه که انتظار می‌رود متضاد نیستند و ممکن است یک گروه از افراد جامعه همزمان پیش‌بینی‌کننده هر دو سبک مسلط شده و الزام شده باشند. در تحقیق بن اری و هیرشبرگ (۲۰۰۹) افراد با اجتناب دلبستگی بالا پیش‌بینی‌کننده سبک‌های حل تعارض ملزم شده و مسلط شده هستند. در تحقیق شی (۲۰۰۳) نیز سطح پایین اجتناب با سبک حل تعارض ملزم شده در موقعیت‌های حل تعارض در رابطه بود. همچنین، بعد اجتناب دلبستگی به تنهایی سبک‌های حل تعارض اجتنابی، مصالحه و یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کرد. البته، سطح پایین بعد اجتنابی با سبک‌های حل تعارض سازنده در ارتباط بود و اضطراب دلبستگی به تنهایی توانست سبک‌های حل تعارض ملزم شده و یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی کند.

نظریه بارثولومئو و هارویتز (۱۹۹۱) درباره ابعاد دلبستگی استفاده کرد. بر اساس این نظریه، دور نگه داشتن اشکال دلبستگی از کودکان، زمانی که اضطراب روی می‌دهد، روشی است برای شناسایی رفتار ترسناک که به علت قطع شدن ارتباط روی می‌دهد. در موقعیت‌های حل تعارض بزرگسالان، این رفتار ترسناک به سمت اجتناب از بحث و مناظره در مورد موضوع استرس‌آور سوق داده می‌شود. با توجه به این که راهبردهای حل تعارض سازنده (یکپارچه‌سازی و مصالحه) نیازمند

ابعاد دلبستگی و سبک‌های حل تعارض زناشویی، اولین هدف این پژوهش بود.

نتایج نشان داد که بین ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی و سبک‌های حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه رابطه منفی معناداری وجود دارد و بین بعد اضطراب دلبستگی با سبک‌های حل تعارض ملزم شده، مسلط شده و اجتنابی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، بعد اجتناب دلبستگی تنها با سبک حل تعارض اجتنابی رابطه مثبت معناداری نشان داد؛ به این معنا که افرادی که اضطراب و اجتناب دلبستگی بالایی دارند، کمتر از سبک‌های حل تعارض سازنده استفاده می‌کنند و بیشتر تمایل دارند از سبک‌های مخرب در حل تعارضات زناشویی استفاده کنند. این یافته با نتایج میکالینسر و همکاران (۱۹۹۱)؛ لوی و داویس (۱۹۸۹)؛ پیستول (۱۹۸۹)؛ کوکران و مالینکرودت (۲۰۰۰)؛ شی (۲۰۰۳)؛ کامپیل و همکاران (۲۰۰۵)؛ سیمپسون، بولدری و کشی (۲۰۰۵) و کن و همکاران (۲۰۰۸) همسوست؛ زیرا در این پژوهش‌ها بین اضطراب و اجتناب دلبستگی و واکنش‌ها و نحوه مدیریت تعارض در افراد نمونه رابطه معنی‌داری به دست آمده است.

بررسی پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض زناشویی توسط ابعاد دلبستگی دومین هدف این پژوهش بود. نتایج نشان داد که بعد اضطراب دلبستگی پیش‌بینی‌کننده مثبت سبک‌های حل تعارض ملزم شده، مسلط شده و اجتنابی است و سبک حل تعارض مصالحه را به صورت منفی پیش‌بینی کرد. همچنین، بعد اجتناب دلبستگی، سبک‌های حل تعارض، مسلط شده و اجتنابی را به صورت مثبت و سبک‌های حل تعارض مصالحه و یکپارچه‌سازی را

اجتناب نشانه مدل فعال منفی آن‌ها درباره دیگران است؛ لذا افراد با اجتناب دلبستگی بالا به هنگام تعارضات با حس رقابت، ملزم شدن، عدم مشارکت و همکاری سعی می‌کنند امنیت روانی و امنیت را برای خود تأمین کنند.

مانند هر تحقیق دیگری، بعضی از محدودیت‌ها به هنگام استفاده از این پژوهش باید مد نظر قرار گیرد: اول این که جمع‌آوری اطلاعات بر اساس ابزار خودگزارش‌دهی (پرسشنامه) بنا شده که این نوع فرایند جمع‌آوری داده ممکن است منشأ سوگیری تک بعدی در استفاده از روش‌ها قرار گیرد؛ بنابراین، می‌توان دریافت که تلاش‌های بیشتر روش‌شناسی برای اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش در مطالعات آینده لازم به نظر می‌رسد.

دوم این که مطالعه حاضر به دبیران متأهل شهر بندرعباس محدود می‌شود و این موضوع که بتوان نتایج مطالعه حاضر را به دیگر اقشار جامعه تعمیم داد، با تردید همراه است. همچنین، پیشنهاد می‌شود برای افزایش دقت پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض زناشویی بر اساس ابعاد دلبستگی به نقش تعدیل‌کننده جنسیت در این روابط پرداخته شود.

#### منابع

باباپور خیرالدین، ج. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانش‌جویان. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۴. ص ۲۸-۴۶.

بطلانی اصفهانی، س. (۱۳۸۷). تأثیر زوج درمانی هیجان مدار بر تغییر سبک‌های دلبستگی زوجین

بحث آزاد در مورد موضوع و پذیرفتن خطر آسیب‌دیدگی به هنگام تعارضات است، زمانی که افراد بزرگسال مدل فعال منفی نسبت به خود و دیگران داشته باشند، برای کسب حمایت از همسرشان و آشکار ساختن موقعیت خود ناتوان عمل می‌کنند و سعی می‌کنند با فاصله گرفتن و کناره‌گیری از تعاملات مهم و صمیمی مانند موقعیت‌های حل تعارض زناشویی به عنوان مکانیسم و محافظی در برابر آسیب‌پذیری استفاده کنند. بنابراین، با توجه به مسأله فوق، اجتناب و اضطراب افراد می‌تواند به عنوان متغیری برای پیش‌بینی سبک حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه به کار رود؛ بدین معنا که اضطراب و اجتناب دلبستگی پایین احتمال به کار بستن سبک حل تعارض یکپارچه‌سازی و مصالحه را افزایش می‌دهد. همچنین، با توجه به مدل فعال درونی، نمره بالا در بعد اضطراب دلبستگی با مدل فعال منفی نسبت به خود و بی‌ارزش دانستن خود ارتباط دارد. از آنجایی که سبک حل تعارض زناشویی مسلط شده بالایی از اهمیت دادن به خود و سطح پایینی از اهمیت دادن به دیگران را شامل می‌شود و یا سبک حل تعارض ملزم شده سطح پایینی از اهمیت به خود و سطح بالایی از اهمیت به دیگران را در بر می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که افراد با اضطراب بالا با استفاده از سبک‌های حل تعارض سعی دارند به نحوی این اضطراب خود را کاهش دهند. لذا با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود سعی می‌کنند از مکانیسم‌هایی برای حل تعارضات خود استفاده کنند تا به این امر نائل شوند و با تسلط بر تعارضات و یا مطیع شدن به هنگام تعارضات، اضطراب خود را کاهش می‌دهند؛ اما بعد

- Batlani Esfahani, S. (2008). *Investigate the Effect of Emotional-based Couples Therapy on Change the Attachment Styles on Esfahan City Couples*. MA. Dissertation of Family Counseling. Esfahan University.
- Ben-Ari, Hishberg, I. (2009). Attachment Styles, Conflict Perception, and Adolescents, Strategies of Coping with Interpersonal Conflict, *Negotiation Journal, ABI/ IN Form Global*, 25, (1), 59-82.
- Cann, A. Norman, M. A. Welbourne, J. L., and Calhoun, L. G. (2008). Attachment Styles, Conflict Styles, and Humour Styles: Interrelationships and Associations with Relationship Satisfaction. *European Journal of Personality*, 22, 131-146.
- Corcoran, n, k., and mallinckroodt, B. (2000). Adult, Attachment, Self-efficacy, Perspective Taking and Conflict Resolution. *Journal of Counseling/ Development*, 78, 473-48.
- Creasey, G, and Hesson-McInnis, M. (2001). Affective Responses, Cognitive Appraisals, and Conflict Tactics late Adolescent Romantic Relationship: Association with Attachment Orientation. *Journal of Counseling Psychology*. 48, 56-99.
- Campbell, L., Simpson, J.A., Boldry, J. G., and Kashy, D. (2005). Perceptions of Conflict and Support in Romantic Relationships: The Role of Attachment Anxiety. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, 510-531.
- Collins, N. L. (1996). Working Models of Attachment: Implications for Explanation, Emotion, and Behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 810-832.
- Fraley, R. C., and Shaver, P. R. (2000). Adult romantic Attachment: Theoretical Developments, Emerging Controversies, and Unanswered Questions. *Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., and Brennan, K. A. (2000). An Item Response Theory Analysis of Self-report Measures of Adult Attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, (2), 350-365.
- Fairchild, A. J., and Finney, S. J. (2006). Investigating Validity Evidence for the Experiences in Close Relationships-  
شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان.
- حقیقی، ح. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های حل تعارض زناشویی بین زوجین رضایت‌مند، زوجین دارای تعارض و زوجین در شرف طلاق در شهر بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.
- شکرکن، ح؛ خجسته‌مهر، ر؛ عطاری، ی؛ حقیقی، ج و شهنی بیلاق، م. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران/ اهواز، سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱، ص ۱-۳۰.
- قلیلی رنانی، زهره. (۱۳۸۴). بررسی شیوه‌های گفتگوی موثر و مهارت‌های حل مسأله بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- نیلفروشان، پ، احمدی، س، ا، فاتحی‌زاده، م، عابدی، م و قاسمی، و. (۱۳۸۸)، بررسی پایایی و ساختار عاملی پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R). فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۲۵۷-۲۷۲.
- Bartholomew, K, and Horowitz, L. K. (1991). Attachment Styles among Young Adults: A Test of A Four ° Category Model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Babapoor, khayroodin. (2006). Relationship between Communicated Conflict Resolution Styles and Mental Health Students. *Psychology Sciences Journal of University Of Tabriz*, 1, (4), 28-46.

- Mikulincer, M., and Shaver, P.R. (2003). The Attachment Behavioral System in Adulthood: Activation, Psychodynamics, and Interpersonal Processes. In M. P. Zanna (Ed), *Advances in Experimental Social Psychology* (Vol. 35). San Diego: Academic Press.
- Nilforushan, P. Ahmadi, S.A. Fatehizadeh, M. Abedi, M and Ghasemi, V. (2010). Investigate the Reliability and Factors Structure of Experiences in Close Relationships-Revised Questionnaire (ECR-R). *Family Researching Journal*, 6, (22), 257-272.
- Noftle, E. E., and Shaver, P. R. (2006). Attachment Dimensions and the Big Five Personality Trait: Associations and Comparative Ability to Predict Relationship Quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179-208.
- Pistole, M. C. (1989). Attachment in adult romantic relationships: Style of conflict resolution and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6, 505-510.
- Pistole, M. C., and Arricale, F. (2003). Understanding Attachment: Beliefs about Conflict. *Journal of Counseling and Development*, 81, (3), 318-328.
- Rahim, M. A. (1983). A Measure of Styles of Handling Interpersonal Conflict. *Academy of Management Journal* 26, (2), 368- 376.
- Roberts, L. (2000). Fire and Ice in Marital Communication: Hostile and Distancing Behaviors as Predictors of Marital Distress. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 693° 707.
- Rahim, M.A. and T.V. Bonoma. (1979). Managing Organizational Conflict: A Model for Diagnosis and Intervention. *Psychological Reports*. 44, (4), 1323-1344.
- Shi, L. (2003). The Association between Adult Attachment Styles and Conflict Resolution in Romantic Relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 31: 143-157.
- Sibley, C. G., and Overall, N. C. (2008). The Boundaries between Attachment and Personality: Localized Versus Generalized Effects in Daily Social Interaction. *Journal of Research in Personality*, 42, 1394-1407.
- revised Questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 66, (1), 116-135.
- Ghalili Renani, Z. (2005). *Investigating the Effective Conversation Styles and Problem Solving Skills on Reduce the Marital Conflicts in Esfahan City Couples*, MA. Dissertation of Counseling. Esfahan University.
- Goodwin, L. (2000). Resolving Auditor, Clint conflict, Concerning Financial Statement Issues, *Department of Commerce University of Queensland Australia*, Available online, at: [http://aaahq.org/audit/midyear/01midyear/papers/Goodwin 2001 midyear.pdf](http://aaahq.org/audit/midyear/01midyear/papers/Goodwin%202001midyear.pdf).
- Henning, M. (2003). Evaluation of Conflict Resolution Questionnaire. Master Thesis, *Auckland University of Technology*.
- Hong Lim, B, K. (2000). *Conflict Resolution Styles, somatization, and Marital Satisfaction in Chinese: The Moderating Effect of Forgiveness and Willingness to Seek Professional Help*. Doctoral Dissertation, Texas Tech University.
- Haghighi, Hamid. (2010). *Survey of Marital Conflict Resolution Styles between Satisfying Couples, Conflicting Couples and Couples about to Divorce*. MA. Dissertation of Family counseling. Humanity College, Hormozegan University.
- Karairmak, ozlem and Duran, negihan. Oguz. (2008). Gender Differences in Attachment Styles Regarding Conflict Handling Behaviors among Turkish late Adolescents, *Int. J Adv Counseling*. 30: 220-234. (published online Springer Science).
- Levy, M., and davis, K. (1998). Love Style and Attachment Style Compared: Their Relation to each other and to Various Relationship Characteristics. *Journal of Social and Personal Relationship*, 5, 439-471.
- Mikulincer, M., Dolev, T., and Shaver, P. R. (2004). Attachment-related Strategies During thought Suppression: Ironic Rebounds and Vulnerable Self-representations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, (6), 940-956.

- Scharfe, E., and Bartholomew, K. (1995). Accommodation and Attachment Representations in Young Couple. *Journal of Social and Personal Relationship*, 9, 51-64.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., and Phillips, D. (1996). Conflict in Close Relationships: An Attachment Perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 899-914.
- Sibley, C. G., Fischer, R., and Liu, J. H. (2005). Reliability and Validity of the Revised Experiences in Close Relationships (ECR-R) Self-report Measure of Adult Romantic Attachment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, (11), 1524-1536.
- Shokrkon, H; Khojastemehr, R; Atari, Y; Haghighi, J; and Shani Yilaghi, M. (2005). Investigate the Personality Traits, Social Skills, Attachment Styles and Sociology Traits as Predictors of Success and Unsuccess Marital Relations Between usual Couples and Couples about to Divorce. *Psychology and Educational Sciences Journal of University of Ahvaz*, 3, (1), 1-30.
- Wijngaards-de Meij, L., Stroebe, M., Schut, H., Stroebe, W., Bout, J., Heijden, P., and Dijkstra, I. (2007). Neuroticism and Attachment Insecurity as Predictors of Bereavement Outcome. *Journal of Research in Personality*, 41, 498-505.





## **Adult Attachment Dimensions as Predictors of Marital Conflict Resolution**

**\* R. Karami boldaji**

Master of Family Counseling, Hormozgan University, Iran

**S. R. Fallahchai**

Assistant Professor and Faculty of Psychology, Hormozgan University, Iran

**E. Zarei**

Associate Professor and Faculty of Psychology, Hormozgan University, Iran

**M. Sabetzadeh**

Master of Family Counseling, Hormozgan, University, Iran

### **Abstract:**

The aim of this study was to examine the adult attachment dimensions as predictors of marital conflict resolution in Bandar Abbas married teachers. The methodology of this paper was descriptive of correlation type. The sample this research were 285 female and male teachers that were selected by sampling ranking randomly. This research used two questionnaires: Experiences in Relationship-Revised (ECR-R) and Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II). ECR-R adopted a two-dimensional conceptualization for both adult attachment style (model of self, model of others) and conflict resolution behaviors (concern for self, concern for others). The results showed that the dimensions of anxiety and avoidance, were significantly predicted .The conflict resolution styles ( $p < .001$ ). Avoidance dimension, negatively predicted the obligating style and Anxiety dimension, positively predicted the obligating style ( $p < .001$ ). Later it was found that Anxiety dimension, positively and Avoidance dimension, negatively predicted dominating style. Also The dimensions of avoidance and anxiety positively predicted avoidance conflict resolution style and avoidance and anxiety dimensions negatively predicted compromise conflict resolution style ( $p < .001$ ).

**Keywords:** adult attachment dimensions, marriage conflict resolution style and married teachers.